خاطره جمعی اشغال ایران و راهبرد جدید امنیت ملی

میراث شهید خامنه‌ای چگونه ضامن اصلی تمامیت ارضی ایران شد؟

متین فارابی
دانشجوی دکتری اقتصاد

شاید مهم‌ترین دستاورد مادی شهید خامنه‌ای برای ایران، معماری چهارچوب‌های امنیت ملی جدید در دوره پساجنگ سرد بود. تشخیص رهبر شهید از رویکرد آمریکا پس از استیلای بر جهان آن بود که آمریکا قصد بلعیدن خاورمیانه را دارد و ایران هم یکی از اهداف آمریکا در این مسیر است. شهید خامنه‌ای به‌خوبی آگاه بود که سلطه آمریکا بر خاورمیانه به‌قصد استثمار است و این سلطه تضمینی هم بابت تأمین امنیت در روزهای سخت نخواهد داشت. شهید خامنه‌ای رهبر کشوری بزرگ با تاریخی دیرپا بود که تجربه دو دوره اشغال در دو جنگ جهانی را داشت.

او به‌خوبی می‌دانست که نبود اقتدار مرکزی و قدرت دفاعی چگونه می‌تواند در یک بزنگاه بزرگ نیمی از جمعیت ایران را مشابه جنگ جهانی اول با قحطی و

مرگ مواجه کند. همچنان شهید خامنه‌ای آگاه بود که حتی ارتش پرتعداد اما کم‌تجربه و غیرمستقلی نظیر ارتش پهلوی اول نیز ضامن حاکمیت ملی در زمانه جنگ نخواهد بود. شهید خامنه‌ای به‌خوبی می‌دانست که وجود اسرائیل در منطقه می‌تواند اهداف قدرت‌های بزرگ در مورد ایران را به‌گونه‌ای تغییر دهد که تمامیت ارضی و حاکمیت ملی ایران در خطر بیفتد؛ پس او با چشمانی باز انتخاب کرد که برای روزهای سخت آماده شود.

در دوره او، ایران هیچگاه ذیل چتر امنیتی غرب تعریف نشد؛ شهید خامنه‌ای به‌سختی کوشید تا توان بومی نظامی ایران را پی بریزد و توانست توان قدرت نظامی بسازد که در برابر هر ضربه‌ای مقاوم است. او به‌خوبی آگاه بود که تمامیت ارضی و حاکمیت ملی با فروش نفت و تأسیس شعب شرکت‌های آمریکایی در ایران تضمین نمی‌شود؛ او به‌خوبی می‌دانست همراهی مردمی، توان تسلیحاتی و هم‌پیمانان منطقه‌ای ضامن اصلی تمامیت ارضی ایران خواهند بود؛ او یک‌لحظه از این ابزارهای قدرت دست نکشید.

> جنگی که در پی شهادت رهبر شهیدمان، سید علی خامنه‌ای رخ داد، بزرگ‌ترین شاهدی بود که راهبرد چهار دهه‌ای رهبر شهیدمان را تأیید کرد و نشان داد که تا چه اندازه چنین راهبردی ضامن ایران است.

استراتژی امنیت ملی شهید خامنه‌ای هیچگاه محبوبیت کاملی بین مدیران نظام نداشت، بسیاری از اعضای هیئت حاکمه جمهوری اسلامی ایران در دوره زعامت شهید خامنه‌ای مسیر دیگری را دنبال می‌کردند. عده زیادی به دنبال آن بودند که ایران با تسلیم یا تعدیل ابزارهای امنیت ملی خود، از مزایای قرارگرفتن در چتر امنیتی غرب بهره ببرند؛ چیزی که شهید خامنه‌ای با تمام وجود مخالف آن بود. مثال بارز این تقابل آن جایی است که مرحوم هاشمی رفسنجانی از رهبر شهید می‌پرسد: «آیا شما در روز قیامت در مورد عدم توافق با آمریکا و آثاری که آن بر مردم ایران مترتب می‌کند را خواهی داد؟» و شهید خامنه‌ای باصلابت جواب می‌دهند که: «بلی، من در روز قیامت پاسخگوی این موضوع خواهم بود.» مشخص است که این پاسخ به آن

پرسش، امری از سر هوا و هوس نیست.

قرارگرفتن در چتر امنیتی غرب شاید مزایایی مثل رفاه گذرا و امنیت اجاره‌ای را برای مردم به وجود می‌آورد؛ اما برای شهید خامنه‌ای مثل روز روشن بود، هنگامی که طبل جنگ به صدا در بیاید ایران بلعیده شده توسط آمریکا سرنوشتی بهتر از آنچه پس از جنگ جهانی اول و دوم بر سرش آمد پیدا نخواهد کرد. ضمن اینکه شاید این بار اسرائیل منافع قدرت‌های بزرگ را طوری شکل دهد که این قدرت‌ها خاک ایران را ترک نکنند و این بار تجزیه ایران را پی بگیرند.

شهادت رهبر انقلاب و جنگی که در پی آن اتفاق افتاد به‌خوبی هرچه‌تمام‌تر مهر تأییدی بر استراتژی امنیت ملی شهید خامنه‌ای زد؛ مروری بر احوالات ایران، آمریکا، اسرائیل و کشورهای منطقه به‌خوبی نشان می‌دهد که کدام خوانش از امنیت ملی ضامن حاکمیت ملی ایران بود؛ کشورهای منطقه طی این سال‌ها راهبرد امنیت ملی‌ای را انتخاب کردند که مطلوب بسیاری از هیئت حاکمه ایران در دهه‌های اخیر بود؛ در این جنگ ثابت شد که چنین راهبردی تا چه حد پوشالی است؛ توسعه‌ای که این کشورها در همه این سال‌ها رقم زدند در نبود یک توان دفاعی بومی و قدرتمند به‌راحتی فرومی‌پاشد.

آمریکا و اسرائیل هم به‌خوبی نشان دادند که به چیزی جز بلعیدن ایران راضی نخواهند شد و ایران نشان داد که به پشتوانه یک ملت قهرمان و با استفاده از تسلیحات و هم‌پیمانان منطقه‌ای که سال‌ها جمع کرده بود چگونه می‌تواند در مقابل بزرگ‌ترین قدرت جهان مقاومت کند و ضربات متقابل بزند. حقیقتاً جنگی که در پی شهادت رهبر شهیدمان، سید علی خامنه‌ای رخ داد، بزرگ‌ترین شاهدی بود که راهبرد چهار دهه‌ای رهبر شهیدمان را تأیید کرد و نشان داد که تا چه اندازه چنین راهبردی ضامن ایران است.

امروز ابعاد این استراتژی به‌عنوان راهبرد تضمین‌کننده تمامیت ارضی و حاکمیت ملی ایران بهتر از هر زمان دیگری شفاف و عیان شده است؛ عموم مردمی که

در این روزها خیابان را برای ایران نگه داشته‌اند، این استراتژی را درک و تأیید کرده‌اند. بسیاری از نخبگان اما هنوز در خوابی هستند که قبل از جنگ می‌دیدند. وظیفه ما این است که هرچه بیشتر این استراتژی ایران ساز و ضامن ایران را ترویج دهیم. نخبگان، مدیران، سیاست‌مداران و بدنه اجرایی که همه این سال‌ها این استراتژی را نفهمیدند یا با آن مخالفت کردند و راهبردهای کلان خود را متنافر یا متناقض با راهبرد کلان امنیت ملی شهید خامنه‌ای تنظیم کردند باید از مسیر خود باز گردند؛ ما برای این آگاهی جمعی رهبر خود و تعداد زیادی از فرماندهان و مردم خودمان را از دست دادیم؛ نباید اجازه دهیم تا دوباره این مهم به فراموشی سپرده شود و امور مردم عزیزمان به افکاری سپرده شود که سال‌ها از امروز دور هستند و هیچ امن و برکتی را برای مردم به ارمغان نخواهد آورد.

جهان دیگر جهان دیروز نیست و ایران نیز همین‌طور. همان‌طور که حضور مردم در میدان، توانایی تسلیحاتی و هم‌پیمانان منطقه‌ای تضمین‌کننده حاکمیت ایران در جنگ بودند، همین اهرم‌های قدرت باید تقویت شوند تا قدرت منطقه‌ای ایران را تحکیم کنند.

از همین امروز و از فردای این جنگ ما باید بدانیم و آگاه باشیم که جهان دیگر جهان دیروز نیست و ایران نیز همین‌طور. همان‌طور که حضور مردم در میدان، توانایی تسلیحاتی و هم‌پیمانان منطقه‌ای تضمین‌کننده حاکمیت ایران در جنگ بودند، همین اهرم‌های قدرت باید تقویت شوند تا قدرت منطقه‌ای ایران را تحکیم کنند. راهبردهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی که برخلاف استراتژی امنیت ملی شهید خامنه‌ای پیگیری می‌شد باید کنار رود و دیگر هرگز سخنی از آن‌ها زده نشود. دکترین شهید خامنه‌ای فرصت‌های بزرگ اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را در فردای جنگ به وجود خواهد آورد؛ هم جهت بودن راهبردهای کلان کشور با این دکترین، ایرانی متفاوت و مترقی را رقم می‌زند. استراتژی امنیت ملی عرصه سیاست‌بازی نیست نباید اجازه داد سیاست‌بازی در این حوزه مسیر پیش روی کشور را سست یا منحرف کند.

رادیو جنگ جمهور
نامه
وبگاه مجله: nameh-jomhour.com
شبکه‌های اجتماعی: @nameh_jomhour